

یا این یا آن

جلد اول

سورن کیرگور
ترجمه‌ی صالح نجفی

صفحت		یادداشت سرچشمه
ده		نکته‌هایی درباره‌ی ترجمه‌ی حاضر
دوازده	(یا این یا آن) از رویا لاری	مقدمه تاریخی
۱	پیشگفتار	بخش اول - حاوی اوراق A
۳	فصل اول: کلیات و تعاریف	دیباچه
۱۵	فصل دوم: روش‌های تحقیق	ترجمات
۳۳	فصل سوم: روش‌های آماری	یا این یا آن - گفتاری سگرا (Sogra) و سایر روش‌های آماری
۴۱	فصل چهارم: روش‌های آماری	مراحل بی‌واسطه‌ی امر شیوه‌ی تحقیق
۶۷	فصل پنجم: روش‌های آماری	وجه ترازیک گفتار قدیم در آینه‌ی وجه ترازیک گفتار مدرن
۱۵۵	فصل ششم: روش‌های آماری	تصویرهای سازه‌ی نظری
۲۰۵	فصل هفتم: روش‌های آماری	تساوی و پدیده‌ی انتقال
۲۳۱	فصل هشتم: روش‌های آماری	نمایش‌ترین آسان‌سازی‌ها
۲۶۹	فصل نهم: روش‌های آماری	عشق اول
۲۸۹	فصل دهم: روش‌های آماری	کشت نوازی
۳۳۱	فصل یازدهم: روش‌های آماری	دفتر خاطرات مرگ
		نمایه



نشر مرکز

یادداشت‌های فارسی فهرست

یادداشت مترجم	هفت
نکته‌هایی درباره ترجمه حاضر	ده
مقدمه تاریخی	دوازده
بخش اول - حاوی اوراق A	۱
دیباچه	۳
ترجیحات	۱۵
یا این / یا آن - گفتاری سکرآور	۳۳
مراحل بی‌واسطه امر شهوی یا شهویت موسیقی	۴۱
وجه تراژیک تئاتر قدیم در آیینۀ وجه تراژیک تئاتر مدرن	۱۲۷
تصویرهای سایه‌نما	۱۵۵
ناشادترین انسان	۲۰۵
عشق اول	۲۲۱
کشت تناوبی	۲۶۹
دفتر خاطرات مرد اغواپیشه	۲۸۹
نمایه	۴۳۱

تنها عقل غسل تعمید می‌یابد؟
پس آیا شورها مشرکان روح‌اند؟
ادوارد یانگ^۱

دیباچه

شاید برای تو، خواننده گرامی، گاهی پیش آمده باشد که دربارهٔ صحت این قضیهٔ آشنای فلسفی که می‌گوید، «بیرونی درونی است و درونی بیرونی» دچار تردید شوی^۲. تو خود شاید رازی در دل پرورده باشی که، طربناک یا دردناک، به چشم‌ت ارزنده‌تر از آن بوده است که بتوانی آن را با دیگران در میان بگذاری. زندگی شاید تو را با کسانی آشنا کرده باشد که گمان برده‌ای رازی از همین نوع در دل داشته‌اند و تو نتوانسته‌ای آن را به‌زور یا نیرنگ از زیر زبان‌شان بیرون کنی. شاید هم هیچ‌یک از این دو مورد برایت پیش نیامده باشد و با این حال با تردید یاد کرده غریبه نباشی؛ آن تردید گاه و بیگاه به‌سان سایه‌ای گریزپا از پهنهٔ ذهن‌ت عبور کرده است. چنین تردیدی می‌آید و می‌رود، و هیچ‌کس نمی‌داند از کجا می‌آید و به کجا می‌رود. من، به سهم خود، همواره در برخورد با این موضوع فلسفی به صرافت بدعت‌گذاری افتاده‌ام و از همین‌رو از عنفوان جوانی خود را عادت داده‌ام به این‌که، در حد وسع خویش، ملاحظات و تحقیقات خودم را پیش گیرم؛ من از نویسندگانی راهنمایی جست‌هم که با دیدگاه‌هایشان در این زمینه همداستان‌ام؛ القصه، هر چه در توان داشته‌ام به‌کار بسته‌ام تا شکافی را که نوشته‌های فلسفی

۱. ادوارد یانگ (۱۶۸۳ - ۱۷۵۶)، دو سطری که کیرک‌گور آورده از شعر سپید بلند و بلندآوازهٔ او، سطرهای ۶۲۹ و ۶۳۰، است با عنوان *شکوائیه، یا افکار شبانه در باب زندگی و مرگ و بی‌مرگی*.

۲. برای مثال رجوع کنید به *علم منطق* هگل:

درون به‌صورت بی‌واسطگی بازتابیده یا به‌صورت ذات در تقابل با برون در مقام صورت وجود تعیین می‌یابد، هر چند درون و برون عین هم‌اند. این همانستی، در وهلهٔ اول وحدت پایدار درون و بیرون است در مقام زیرلایه‌ای آبتن محتوا یا امر واقع مطلق که این دو تعیین دقایقی بی‌تفاوت و بیرونی در آنند. آن همانستی، از این حیث، محتوا و تمامیت است، تمامیتی که امری درونی است، درونی که به همان اندازه بیرونی شده است ولی تمامیت مذکور در این برون نه چیزی که شده یا چیزی که پشت‌سر گذاشته شده، بلکه چیزی با خود برابر است. بر اساس این تعیین، برون نه فقط محتوایی برابر با محتوای درون دارد بلکه این دو یک امر واقع بیش نیستند.